

## اسناد تجاری رایانه‌ای

---

مترجم: مصطفی‌السان\*

### اشاره

یکی از مباحث مهم «حقوق تجارت الکترونیک» بررسی «ارزش اثباتی ادله» می‌باشد. مقصود از ادله در این شاخه از حقوق تجارت انواع اسناد، مدارک، محاسبات و داده‌هایی است که یا در اساس خود یا به طور غیر مستقیم مبنای الکترونیکی دارند، نوع نخست را می‌توان «دلیل واقعی» و قسم دوم را «دلیل دست دوم» نامید. آنچه در این مقاله بحث می‌شود، بیشتر مناقشه در زمینه اعتبار و ارزش حقوقی ادله دست دومی است که منبع رایانه‌ای دارند. از دلیل دست دوم در فرهنگهای حقوقی به «شهادت بر شنوده»، «دلیل افواهی» و «نقل قول» یاد شده که ما در ترجمه واژه hearsay evidence به دلیل جامعیت، واژه فارسی «دلیل دست دوم» را برگزیدیم.

---

\*. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## اسناد تجاری رایانه‌ای

به من اعتماد کن، من یک وکیل<sup>۱</sup>

مقدمه

این حقیقتی تأسف بار در زندگی است که انسانها معمولاً راست نمی‌گویند. آنها گاهی فراموش می‌کنند، برخی اوقات دروغ می‌گویند و گاهی تغییر شرایط و اوضاع و احوال موجب می‌شود شخصی موضوعات را به طوری غیر از آنچه در واقع بوده، به خاطر آورد. تمام سیستمهای تجاری مدرن به ندرت بر مبنای اعتماد اما عمدتاً بر این حقیقت که توافقات بین طرفین باید مستند باشد، مبتنی است. نیاز به چنین وضعیتی در تجارت الکترونیک مسلم است زیرا طرفین یک توافق ممکن است همدیگر را ندیده و حتی هیچ مکالمه تلفنی با یکدیگر نداشته باشند. در اکثر موارد تنها دلیل بر توافق طرفین، سند معامله خواهد بود. با وجود این، احتمال بروز مسایل خاصی وجود دارد زیرا ادله اثباتی از طریق رایانه ایجاد خواهد شد.

### انواع ادله اثباتی

ادله قابل استنادی که رایانه ایجاد می‌کند بر سه نوع خواهد بود: اول، محاسبات و تجزیه

۱. قسمتی از آنچه توسط هنرپیشه «رابین ویلیام» در فیلم سینمایی «دام» (Hook) ساخته استیفن ایسپیلبرگ، گفته شد.

تحلیلهایی که خود رایانه از طریق پردازش نرم‌افزاری و وصول اطلاعات از سایر دستگاهها نظیر دستگاههای ثبتي و جسگرها انجام می‌دهد. این نوع دلیل «دلیل واقعی»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. دلیل واقعی در بیشتر موارد ایجاد می‌شود: (به طور مثال) اگر رایانه یک بانک به طور خودکار حسابهای بانک با مشتریان را بر مبنای تعرفه‌های خود، مبادلات محاسباتی و موازنه روزانه مطالبات انجام دهد، این نوع محاسبات نوعی «دلیل واقعی» خواهد بود. مورد دیگر، مدارک ذخیره شده رایانه‌ای است که در واقع روگرفت اطلاعاتی است که توسط نیروی انسانی به رایانه ارائه شده است، این مدارک در زمره «ادله دست دوم» قرار می‌گیرند، حواله‌های بانکی و پرداختهایی که به حساب بانک انجام می‌شود، «دلیل دست دوم»<sup>۲</sup> محسوب می‌شوند. آخرین مورد مدارکی است که مشتق از دلیل واقعی و داده‌هایی است که توسط نیروی انسانی به رایانه ارائه شده و به شکل دلیل کتبی مرکب هستند. این موارد نیز در قوانین راجع به ادله اثبات دعوی در زمره «ادله دست دوم» قرار می‌گیرند. یک مثال برای دلیل مرکب (مشتق) محاسبات انجام شده در ستون موازنات روزانه یک بانک است زیرا این حساب ترکیبی از «دلیل واقعی» (محاسبات بانکی که به طور خودکار انجام شده) و حواله و پرداختهای ثبت شده می‌باشد.

### دلیل واقعی

با پیشرفت سریع در علم دادرسی، دلیل واقعی اهمیت فزاینده‌ای در رسیدگی کیفری یافته است. اثر انگشت، نمونه DNA و لکه‌های خون همه نمونه‌هایی مشهود از دلیل واقعی هستند که دادگاه از آنها برای حکم به مجرمیت یا برائت متهم استفاده می‌کند. ذخیره خودکار اطلاعات، پیشرفتی نسبتاً نوظهور است و حقوق مانع از آرایه این داده‌ها به عنوان دلیل اثباتی نیست. اخیراً آنچه به وسیله دستگاههای ذخیره خودکار اطلاعات ضبط شده به عنوان دلیل واقعی پذیرفته شده‌اند. در قضیه یادمان آزادی<sup>۳</sup> تصمیم‌گیری در پرونده منوط به بررسی آنچه توسط یک رادار ثبت شده بود، گردید زیرا

1. real evidence.

2. hearsay evidence (Second hand evidence).

3. The statue of liberty.

رادار اطلاعاتی ذخیره کرده بود که نشانگر موقعیت دو کشتی در یک تصادم دریایی می‌شد، ذخیره‌سازی اطلاعات به وسیلهٔ یک دستگاه مکانیکی بدون دخالت انسان صورت گرفته بود. قاضی سیمون حکم نمود که آنچه ضبط شده به عنوان دلیل واقعی قابل قبول است، وی به پرونده آر علیه مقصود علی<sup>۱</sup> استناد نمود که در آن یک نوار ضبط صوت قابل استماع شناخته شد، [قاضی اظهار داشت:]

«اگر نوار ضبط صوت قابل استناد باشد به نظر می‌رسد که عکس یا دریافت راداری نیز قابل استناد است. چنانچه در واقع عکس نیز چنین حالتی دارد. این تمایز بی‌معنی خواهد بود که یک عکس فقط در صورتی قابل استناد باشد که دوربین عکاسی توسط یک عکاس عمل نموده باشد و در عین حال اگر تصادفاً یا از طریق یک سیستم خودکار عمل کرده باشد، دلیلی بر اثبات ادعا نباشد. به همین نحو اگر مدرکی به تشخیص وضعیت هوا ارتباط داشته باشد، در صورتی که گفته شود که وضعیت هوا صرفاً در صورتی معلوم می‌شود که یک انسان در زمانهای معین (وقت به وقت) به هواسنج نگاه کند و این وضعیت از طریق آنچه یک هوانگار خودکار ثبت کرده است قابل اثبات نباشد، چنین نظریه‌ای اگر مبنای حقوقی داشته باشد توهین به افکار عمومی خواهد بود... امروزه حقوق مجبور به درک این واقعیت است که وسایل مکانیکی جانشین تلاش انسانی شده است.»

در سال ۱۹۸۱ پروفیسور اسمیت ضمن یک مقاله علمی در زمینه سند رایانه‌ای، نظریهٔ ابراز شده در پروندهٔ یادمان آزادی را موسع نمود و قاعده‌ای تأسیس کرد که بعدها مورد پذیرش دادگاهها قرار گرفت:

«در هر مورد که اطلاعات به وسیلهٔ یک دستگاه مکانیکی بدون دخالت انسان ذخیره شده باشد، آنچه به وسیلهٔ دستگاه ذخیره شده به عنوان دلیلی بر اثبات ادعا می‌تواند به کار گرفته شود، البته مشروط بر اینکه دستگاه قابل اعتماد بوده و سالم باشد.»

«مکانیکی» در نظریهٔ فوق‌الذکر به معنی «خودکار» است و از این نظر شامل تمام روشهای ثبت اطلاعات از طرق الکتریکی، الکترونیکی و شیمیایی می‌گردد و این

برخلاف ظاهر واژه «مکانیکی» است که فقط روش ماشینی را مجسم می‌سازد. در پرونده آر علیه وود<sup>۱</sup> قضیه به ادعای سرقت فلزات خاصی ارتباط داشت که به وسیله شیمیدانی که این فلزات را مورد آزمایش قرار می‌داد، از آنها تصویر رایانه‌ای تهیه شده بود، این فلزات در تصرف متهم یافته شد. دادگاه چنین تشخیص داد که مدارک (تصاویر) مذکور به عنوان دلیل واقعی قابل استناد است، زیرا رایانه به عنوان محاسبه‌گر صرف عمل کرده بود.

«رایانه مذکور حقیقتاً یک وسیله بوده و از اطلاعات موجود در حافظه خود بهره‌نرفته است. رایانه صرفاً به عنوان محاسبه‌گر خبره‌ای عمل نموده که با حرکات دست شیمیدان کار می‌کرده است».

در پرونده آر علیه اسپای‌بای<sup>۲</sup> پژوهش خواه به این امر محکوم شده بود که عالم‌اً در قاچاق غیرقانونی گیاهی مخدره مشارکت نموده است. در تأیید و اثبات عالمانه بودن عمل وی، دادستان به برگه‌های مربوط به مکالمات تلفنی وی که از رایانه پیغام‌گیر هتلی کپی شده بود، استناد نمود که ثابت می‌کرد مهمان تحت تعقیبی از آن هتل با پژوهش خواه در منزلش مکالمه تلفنی داشته است. در پژوهش خواهی وی علیه حکمی که وی را محکوم کرده بود، وکیل وی سعی داشت تا اثبات نماید که برگه‌های (مربوط به مکالمات تلفنی) که مبنای صدور رأی بودند، سندیت نداشته‌اند. دادگاه تجدیدنظر کیفری<sup>۳</sup> حکم نمود که برگه‌ها دلیل واقعی بوده‌اند زیرا رایانه به طور خودکار برداشتن گوشی تلفن و زنگ زدن را ثبت نموده است. دادگاه نظریه پروفسور اسمیت را متذکر شد و تأیید کرد. (نظریه قبلاً ذکر شده). دادگاه تجدیدنظر کیفری همچنین این اصل را اجرا نمود که اگر وسیله‌ای نوعاً با اطلاع رسانی متعارف بیش از امور شغلی ارتباط داشته باشد، اگر دلیل مخالفی وجود نداشته باشد دادگاه باید چنین فرض نماید که دستگاه در زمان مورد بحث کارش را به درستی انجام داده است. قبول این اصل دارای این نتیجه مثبت است که بار اثبات اینکه دستگاه سالم نبوده را بر عهده مدعی علیه می‌نهد.

1. R.V. Wood.

2. R. V. Spiby.

3. The court of criminal Appeal.

با این حال، هر چند نتیجه‌گیری فوق‌الذکر می‌تواند در موارد بخصوصی معقول باشد - مانند قابلیت استناد به یک مورد تماس تلفنی که ثبت شده یا آنچه یک سرعت سنج در تخلف رانندگی ثبت کرده - اما در مواردی که اشتباهی در موارد بخصوصی عیناً تکرار شده و نتیجتاً سایر اطلاعات ذخیره شده را تغییر دهد این نتیجه‌گیری درست نخواهد بود. بنابراین اگر نوعی سیستم ۹۹ درصد از میزان دقایقی را که صرف مکالمه‌ای تلفنی شده، درست ثبت نماید، جمع بین مدت زمانی که در ۱۰۰۰ مورد مکالمه تلفنی ثبت شده صحیح نخواهد بود زیرا ۱۰ مورد اشتباه در ثبت مدت زمان صرف شده برای مکالمات وجود خواهد داشت که کل مجموعه (۱۰۰۰) را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در علم آمار این امر از بدیهیات است که اگر بیش از ۱۰۰۰ مورد مکالمه تلفنی ثبت شود تقریباً تمام صورت محاسبات مبتنی بر خطا خواهد بود. اگر مجموع مکالمات ۳۰۰ مورد باشد در آن صورت احتمال اشتباه در مجموعه ثبت شده بیش از ۹۵ درصد خواهد بود. اگر مجموع مکالمات ثبت شده ۷۰ مورد باشد، در موازنه احتمالات احتمال صحت و خطا تقریباً مساوی خواهد بود.

مکالمات ثبت شده	احتمال خطا
۱۰۰۰	۹۹/۹۹۵۶۸۲۹ درصد
۳۰۰	۹۵/۰۹۵۹۱۰۶ درصد
۷۰	۵۰/۵۱۶۱۳۴ درصد

تا به امروز، رویه قضایی در خصوص اسناد رایانه‌ای این اختلاف عمده و نتایجی که از تبدیل خطاهای کم به احتمالات آماری بیشتری از خطا، ناشی می‌شود را مورد توجه قرار نداده است. در واقع، کمیسیون حقوقی با اظهار نظری که از سوی یک فرهنگستان غیر فنی حقوقی صورت گرفته موافقت نموده است، به موجب این نظریه «اغلب خطاهای رایانه‌ای یا بلافاصله آشکار می‌شود یا اینکه از نوع اشتباهاتی است که در داده‌های وارد شده به دستگاه وجود دارد». معلوم می‌شود این اظهار نظر که از سوی حقوقدانی که مرتباً

با دلیل رایانه‌ای (مدارک، محاسبات و...) در پرونده‌های کیفری سر و کار داشته، ارائه گردیده است با واقعیت امر مطابقت ندارد.

### ارزش اثباتی دلیل دست دوم

«مردم واقعاً از درک خود در مورد ارزش اثباتی ادله بی‌مناکند که مبدا هیأت منصفه را به اشتباه بیان‌اند. در حال حاضر ما هر دلیلی را می‌پذیریم و فقط در مورد ارزش اثباتی آن بحث می‌کنیم».<sup>۱</sup>

وقتی مسایلی مطرح می‌شود، دادگاه مجبور به یافتن حقایق خاصی است که قبل از صدور رأی در خصوص حقوق، تکالیف و مسؤولیتهای طرفین مطرح است. اثبات حقایق از طریق استناد به ادله‌ای انجام می‌شود که توسط طرفین به عنوان حقایق مسلم یا مورد انکار مورد پذیرش قرار گرفته‌اند که اصطلاحاً حقوق مورد اختلاف<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند. احراز حقایق با دادگاه است و در این تشخیص بنابر یک تکلیف که ریشه تاریخی دارد، برخی از ادله که مشخصند، به موجب قاعده عدم پذیرش دلیل دست دوم<sup>۳</sup> استثنا شده‌اند و قابل استناد نیستند. اگر چه قاعده اصلی که در مورد تمام ادله نیز صدق می‌کند این است که تمام مدارکی که با قضیه مورد اختلاف ارتباط کافی دارند از سوی دادگاه مورد پذیرش هستند و تنها آنچه نامربوط بوده یا ارتباط کافی ندارند، باید قابل استناد نباشند.

قاعده عدم پذیرش دلیل دست دوم مقرر می‌دارد: «هر اظهاری غیر از آنچه توسط شخصی در جریان ارائه گواهی شفاهی در جلسات رسیدگی صورت گرفته، به عنوان دلیل اثباتی هیچ ادعایی قابل استفاده نیست». بنابراین اگر یک شاهد تصادف جاده‌ای به دوستش گفته باشد که خانمی با موهای آبی اتومبیل را می‌راند، بنابر قاعده فوق‌الذکر دوست مذکور نمی‌تواند به عنوان گواهی بر حقیقت احضار شود زیرا وی شاهد تصادف نبوده و صرفاً به نقل قولی می‌پردازد که شاهد اصلی به او گفته است. نتیجتاً بازپرسی از شخص اخیر هیچ‌گونه ارزش اثباتی نخواهد داشت بلکه فقط یادآوری و دوباره گویی

1. Coburn C. J. in R. V. Birmingham Overseers (1861).

2. Facts in issue.

3. Hearsay rule.



مشهوداتی است که توسط شاهد اصلی به وی [دوست شاهد] گفته شده است. بدون شک تأیید خواهد شد که این قاعده قدیمی فوق العاده در دسر ساز و مزاحم است و آن قدر اعتبار دارد که می‌تواند از قابلیت استناد به مقادیر زیادی از ادله و مدارک در دادرسیها جلوگیری نموده و این قاعده مهم که تمام ادله مرتبط به یک ادعا نزد دادگاه مسموعند را نقض نماید. اتحادیه کسبه انگلستان در قرن نوزدهم معافیتی قانونی از شمول این قاعده یافت که شامل مدارکی می‌شد که در جریان تجارت یا کسب توسط شخصی که عرفاً در خصوص موضوعات و مسایل راجع به آن امر آگاهیهای شخصی داشت، تهیه شده بود و از شخص مورد بحث عرفاً انتظار نمی‌رفت که از موضوعات ثبت شده اطلاع داشته باشد. بنابراین اگر کارمند دفتری که در تجارتخانه‌ای کار می‌کرد جزئیات راجع به معامله‌ای را در دفتر کل ثبت می‌نمود، آن دفتر در دادگاه به عنوان دلیل بر انجام معامله قابل استناد بود هر چند که کارمند دفتری ثبت کننده آن معامله، آنچه در دفتر ثبت کرده را به خاطر نمی‌آورد. این مدارک در صورتی از حکم قاعده عدم پذیرش دلیل دست دوم خارجند که بر طبق مقرراتی که توسط سازمانهای ذی نفع برای ثبت اطلاعات صنفی تنظیم گردیده، تهیه و بایگانی شده باشند.

مشکلاتی که قاعده مذکور ایجاد می‌کند همچنین منجر به تخصیص آن در پاره‌ای موارد با شرایط مشخصی در کامن لا گردیده است که به طور کاملاً اتفاقی، زمانی که قاعده عدم پذیرش به شدت مشکل ساز بوده، توسعه یافته‌اند. این قاعده صرفاً برای مطابقت با موارد بخصوص تخصیص یافته و تأسیس اصل جدید مدنظر نبوده است. تحقیقات زیادی پیرامون دلیل دست دوم در ایالات متحده انجام گرفته که مورد تتبع کشورهای دیگر قرار نگرفته است.

ماهیت حقوقی دلیل دست دوم در انگلیس تا به امروز بر مبنای رأی اکثریت اعضای مجلس اعیان انگلیس<sup>۱</sup> است که در پرونده مهم مایرز علیه دی پی پی<sup>۲</sup> تبیین گردیده است. پرونده به ادعای توطئه و نقشه قبلی در خصوص خودروهای مسروقه ارتباط داشت. خواننده ماشین خرابی را به همراه سند آن خرید و سپس ماشین تقریباً مشابهی

1. House of lords.

2. Myers V. DPP [1965].

سرقت نمود، او بعدها خودروی مسروقه را با سند مورد اشاره تطبیق داد و آن را به قصد سود بری فروخت. مدرکی که توسط کارخانه‌های سازنده خودرو در زمان تولید خودروها فراهم می‌آمد از نظر پی جویی مسایل بعدی ایراد داشت. به محض اینکه خودروها از خط تولید خارج می‌شد کارگران جزییات مربوط به شماره نوبت (سریال) قطعات مختلف به کار رفته در هر خودرو را ثبت می‌کردند، این جزییات توسط کارمند مورد اعتمادی در برگه‌ای یادداشت و بایگانی می‌شد. نهایتاً، از برگه‌های تکمیل شده عکس گرفته می‌شد و به صورت میکروفیلم نگهداری می‌شد. دادستان درصدد این بود که آنچه به صورت میکروفیلم درآمده بود را به عنوان دلیل و استثنایی بر قاعده عدم پذیرش دلیل دست دوم با استناد به تخصیص این قاعده نسبت به مدارک صنفی به موجب قانون ادله اثبات دعوی مصوب ۱۹۳۸، در دادگاه ارایه کند. در این قانون به میکرو فیلم به عنوان یکی از انواع مدارک (اثباتی) صنفی اشاره نشده بود، (زیرا استفاده از این نوع فیلم تا سال ۱۹۳۰ در تجارت معمول نبود). مجلس اعیان انگلیس با اکثریت ۲/۳ آرا رأی داد که چنین مدرکی همانند دلیل دست دوم قابل استناد نیست، زیرا هر استثنایی بر قاعده عدم پذیرش دلیل دست دوم باید به نحو مضیق تفسیر گردد، اکثریت مذکور همچنین رأی داد که هر استثنای دیگری بر این قاعده باید از طریق قوه مقننه اعلام شود نه قوه قضاییه.

**قاضی ری پید<sup>۱</sup>** به عنوان یکی از ارایه دهندگان رأی اکثریت اظهار داشت: «پذیرش این مدرک [میکرو فیلم] در واقع پذیرش دلیل دست دوم است. به علاوه آنچه ضبط شده صرفاً اظهارات مندرج در برگه‌ها را اثبات کرده، دلیل دیگری را تأیید یا تقویت نمی‌کنند و ادله دیگر نیز صرفاً ثابت می‌کنند که اطلاعات برگه‌ای که در میکروفیلمها ذخیره شده‌اند، واقعیت دارند». **قاضی پایس<sup>۲</sup>** به عنوان مخالف اظهار داشت: «به عقیده من، در هر مورد که شخصی عالم و آگاه از مدارک تجاری وجود نداشته باشد و در هر مورد که تجار تخانه‌ای تعدادی کارمند شایسته در اختیار داشته باشد که می‌توانند به طور علمی در خصوص روشهای ثبت و بایگانی سخن بگویند، مدارک معتبری که به شیوه مرسوم در آن تجار تخانه نگهداری می‌شود به عنوان ادله‌ای غیر قابل تردید باید در هنگام استناد مورد

1. Lord Reid.

2. Lord Pierce.

قبول قرار گیرد».

در طول سالیان دراز نظریات قاضی پاپس حامیانی یافت و نظریات مذکور همراه با راه‌حلی که در ایالات متحده اتخاذ شده، مورد بحث‌های فراوانی قرار گرفت. اگر چه حکم صادره در پروندهٔ **مایرز علیه دی‌پی‌پی** هنوز در انگلستان اعتبار قانونی دارد، اما در اسکاتلند پذیرفته نشده است. در آن کشور، رئیس دیوان عالی در منبعی که توسط قاضی **آدوکت** تهیه شده (شماره ۱ از سال ۱۹۹۲) قضاوت انجام شده در پروندهٔ **مایرز** را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که اظهار عقیدهٔ ابراز شده از سوی اقلیت مخالف با حقوق اسکاتلند مطابقت دارد. [نظریهٔ اکثریت در پروندهٔ **مایرز**] توسط دیوان عالی کشور کانادا نیز پذیرفته نشده است.

نتیجهٔ منفی آنچه در فوق مطرح گردید این است که مادامی که یک سازمان بانفوذ و مهم در حقوق انگلستان (مجلس اعیان) اظهار دارد که قانون ادله اثبات دعوی باید به نحو مضیق تفسیر شود و تنها پارلمان می‌تواند اقسام تازه‌ای از ادلهٔ قابل استناد را تعیین نماید، این احتمال بسیار کم است که سایر حوزه‌های قضایی سیستم حقوقی کامن‌لا به این نتیجه پای بند بمانند. مستعمرات سابق پادشاهی بریتانیا و کشورهای عضو مشترک المنافع که قوانین ادلهٔ اثبات دعوی آنها قبل از استفادهٔ عمومی از رایانه به تصویب رسیده است، امروزه بیشتر بر طبق عقیدهٔ مخالفی که توسط قاضی پاپس در پروندهٔ **مایرز** ارائه شده عمل می‌کنند تا اینکه عقیدهٔ اکثریت همراه با قاضی ری پد را بپذیرند. از این رو چون مجلس اعیان انگلیس محدود به آرای سابق صادره از سوی خویش نیست، این امر امکان پذیر است که اگر پرونده‌ای مشابه پروندهٔ **مایرز** به منظور پژوهش در مجلس اعیان مطرح شود، امروزه دیگر رأیی که اکثریت در آن زمان صادر کرده بودند مورد پذیرش قرار نگیرد و رأی دیگری صادر شود.

#### دلیل دست دوم در انگلیس

در سال ۱۹۹۳ کمیسیون حقوقی گزارشی را در مورد قاعدهٔ دلیل دست دوم در دعاوی حقوقی منتشر نمود که حاوی نکات زیر بود:

الف - ادله نباید صرفاً به علت دست دوم بودن سندیت نداشته باشند، دلیل دست

دوم مرکب و ساده از این پس سندیت خواهد داشت.

ب - مقررات قانونی موجود که دلیل دست دوم را معتبر می‌دانند نباید مورد مخالفت قرار گیرند.

ج - اشخاصی که در صدد استناد به دلیل دست دوم هستند، مکلفند که طرف مقابل را از این امر در هر موردی که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، متعارف و معمول است آگاه سازند تا طرف مقابل با توجه به ماهیت دلیل دست دوم اقدام نماید، هرگونه عملی برخلاف این تکلیف منوط به توافق طرفین یا حکم دادگاه است. قصور از این تکلیف ارزش اثباتی دلیل را از بین نمی‌برد، بلکه صرفاً ممکن است متخلف به پرداخت خسارت یا جریمه محکوم شود که تصمیم‌گیری در این مورد با دادگاه است.

د - یکی از طرفین اختلاف می‌تواند تقاضای احضار شاهدهی را نماید که گواهی او از سوی طرف اختلاف نقل قول محسوب شده و از این شاهد در مورد اظهاری که نموده، توضیح بخواهد.

ه - مقررات شفاهی باید در جهت مساعدت محاکم برای تشخیص ارزش اثباتی دلیل دست دوم به تصویب برسد.

و - شخصی که مطلبی را به عنوان دلیل دست دوم اظهار (نقل) نموده است باید این حق را داشته باشد که در خصوص آن گواهی شفاهی ارائه دهد مشروط بر اینکه در روز رایه گواهی شفاهی، اظهار کننده واجد شرایط باشد.

ز - هر دلیلی باید برای سلب یا تأیید اعتبار شخصی که به عنوان غیر از شاهد احضار شده و نیز برای تشخیص اینکه شخص مذکور اظهارات متناقضی را قبل یا بعد از حضور در دادگاه، بیان داشته است، قابل استناد باشد.

ج - اظهارات شفاهی متناقض یا بدون تناقض شاهدهی که احضار شده به عنوان دلیلی بر ادعاهای مطرح شده، اعتبار خواهد داشت.

دولت تمام این پیشنهادها را پذیرفت و در نتیجه قانون ادله اثبات دعوی حقوقی<sup>۱</sup> به منظور اجرای پیشنهادهای کمیسیون حقوقی به تصویب رسید. مقرراتی از این قانون

1. Civil Evidence Act 1995.

که به بحث ما ارتباط دارند عبارتند از: بخش ۸، ۹ و ۱۲.

### قانون ادله اثبات دعوی حقوقی (مصوب نوامبر ۱۹۹۵)

#### بند ۱ از بخش ۸

در هر مورد که در مدرکی، اظهاری شده باشد، آن مدرک در دادرسیهای حقوقی در صورتی سندیت خواهد داشت که:

الف - آن مدرک ارائه شود.

ب - اعم از اینکه اصول آن مدرک موجود باشد یا نه، روگرفت (کپی) آن مدرک یا بخش مورد استناد آن ارائه شود.  
در این مورد، دادگاه می‌تواند سند را گواهی نماید.

#### بند ۲ از بخش ۸

تفاوت موجود بین اصل سند و روگرفت (کپی) آن تأثیری در ارزش اثباتی سند ندارد...

#### بند ۱ از بخش ۹

مدرکی که به عنوان یکی از مستندات تجارتخانه یا سازمان عمومی ارائه شده است در رسیدگیهای حقوقی بدون ابراز دلیل دیگری سندیت دارد...

#### بخش ۱۲

«مدرک» به معنی هر چیزی است که در آن اطلاعات با هر وصفی ذخیره شده است. «روگرفت» (کپی) در ارتباط با یک مدرک به معنی هر چیزی است که در آن اطلاعات مندرج با هر وسیله و هر روشی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، کپی شده باشد...  
با این حال تا به امروز هیچ قانونی که ارزش اثباتی دلیل دست دوم را مشخص سازد به تصویب نرسیده است که این امر فی نفسه مشکلات زیادی را باعث می‌گردد.

#### دلیل دست دوم در اسکاتلند

اسکاتلند مدتی زودتر از انگلستان مسألهٔ دلیل دست دوم را بررسی کرده است: کمیسیون حقوقی اسکاتلند در سال ۱۹۸۶ گزارشی را در مورد ارزش اثباتی و دلیل دست دوم در

رسیدگیهای حقوقی منتشر نمود که به طور ملموسی در قانون ادله اثبات دعوی حقوقی این کشور مصوب ۱۹۸۸ مورد توجه قرار گرفت. به موجب قانون مذکور:

الف - قواعد مخالف با سندیت دلیل دست دوم لغو گردید و هیچ دلیلی نباید صرفاً به این خاطر که در این دسته قرار دارد، بی اعتبار باشد.

ب - هرگونه عمل اثبات کننده و نیز شفاهی و دلیل دست دوم مستند تحت شمول حمایت قانون هستند.

ج - استناد به دلیل دست دوم ضرورت ندارد که به اطلاع طرف اختلاف برسد.

د - دادگاه این اختیار را ندارد که دلیلی را صرفاً به خاطر دست دوم بودن آن، قابل استناد نداند و هیچ یک از طرفین دعوا نیز نمی تواند بر احضار شاهدهی که اظهارات وی مورد اعتراض قرار گرفته، اصرار ورزد ولو اینکه آن شاهد در دسترس باشد.

ه - دادگاه این اختیار را ندارد که قبل از شروع آخرین جلسه دادرسی، در موردی که نقلی قولی مورد تردید قرار گرفته است اجازه دهد که شاهد اصلی یا گواه بر گواه احضار گردد.

و - در این قانون برای مساعدت دادگاهها در تشخیص ارزش اثباتی دلیل دست دوم رهنمودهای قانونی وضع نگردیده است.

ز - مقررات شهود که حسب مورد موافق یا متناقض با گواهی ایشان در دادگاه است به منظور جرح و تعدیل شهود قابل استناد بوده و اظهاراتی که به این نحو اثبات شده نیز به عنوان دلیل بر هر ادعایی است که می تواند مستند آن باشد.

زمانی که مجلس، قانون مذکور را بررسی می کرد مقام اسکاتلندی اظهار داشت که باید دادگاهها از پذیرش دلیل دست دوم در صورتی که آیین آگاه کردن طرف مقابل انجام نشده باشد، خودداری کنند که این عقیده خود می توانست احیاگر دوباره قاعده عدم پذیرش دلیل دست دوم باشد. اگر یکی از طرفین اختلاف علی رغم میلش احضار یکی از شهود دعوی را بپذیرد و شاهد مذکور برخلاف اینکه در دسترس است احضار نشود، همین امر می تواند در ارزیابی که دادگاه از ارزش اثباتی ادله به عمل می آورد تأثیر گذار باشد. در هر صورت فقدان مقررات خاصی در تعیین ارزش اثباتی اسناد رایانه ای به عنوان یک نگرانی عمده همچنان به قوت خود باقی است.

### دلیل دست دوم در ایرلند شمالی

در ویرایش اول کتاب (تجارت الکترونیک از نظر عملی و حقوقی) ذکر شد که محاکم ایرلند شمالی هنوز قاعده پذیرش دلیل نقلی را به رسمیت می‌شناسند و تا زمان اصلاح قانون انتظار ایجاد مشکلاتی در رسیدگی به پرونده‌های تجارت الکترونیک می‌رفت. خوشبختانه این وضعیت در سال ۱۹۹۷ مورد توجه «آیین نامه ادله اثبات دعوی حقوقی ایرلند شمالی»<sup>۱</sup> قرار گرفت که در هفدهم دسامبر ۱۹۹۷ تصویب شد و (به جز بخش دهم آن) در ششم دسامبر ۱۹۹۹ قابلیت اجرایی یافت. اگر چه این آیین نامه به رایانه اشاره‌ای نکرده است، با این حال این امر از بدیهیات شده که امروزه هرگونه ایراد و اعتراض به پذیرش دلیلی که ماهیت دست دوم (نقلی) دارد در دادرسیهای حقوقی ایرلند شمالی بی‌فایده است.

در سال ۱۹۹۰ کمیته مشورتی اصلاحات حقوقی در ایرلند شمالی<sup>۲</sup> راه حل مذکور در قانون ادله اثبات دعوی حقوقی (اسکاتلند) مصوب ۱۹۸۸ را بر این مبنا رد نمود که:

الف - این نقض یک اصل مسلم است که یک طرف در دعوا بر ارائه ادله‌ای اصرار ورزد که بدون شک بر ضد خود وی سندیت دارد.

ب - این مخالف حقوق اشخاص در دعاوی است که از ایشان در خصوص منبع اصلی (دست اول) دلیل دست دوم سؤال شود. به عقیده ایشان قانون اسکاتلند رعایت جوانب احتیاط را ننموده است. آیین نامه جدید، گزارش سابق کمیته مشورتی اصلاحات حقوقی برای ایرلند شمالی را در مورد ادله اثباتی در رسیدگیهای حقوقی، تکمیل نموده است. (گزارش کمیته مشورتی اصلاحات حقوقی، شماره سوم، سال ۱۹۹۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Civil Evidence (Northern Ireland) Order 1997.

2. Law Reform Advisory Committee for Northern Ireland.